فصل اول : مناط صدق در قضایای

ملاک صادق ای کاذب بودن قضایا چیست؟ مشهور می گفتند ملاک صدق این است که واقعی هست که قضایا با آن مطابق است یعنی مطابقت نسبت قضیه با واقعی که مطابَق اوست، اما نزدیک به ده نظریه دیگر هم در کنار این نظریه مطابقت ارائه شده است. این نظریات در کتاب «مطابقت صور ذهنی با خارج» ذکر شده است.

هر یک از این اقوال یک حیث صدق و صحت در کلامشان وجود دارد ولی اشتباهشان این است که آن حیث را مطلق می کنند و می گویند مناط صدق فقط همین است.

شش نظریه مرسوم درباره صدق عبارتند از:

۱- نظریه مطابقت صدق

۲- نظریه همانگی صدق

۳- نظریه عمل گرا

۴- نظریه زیادتی صدق

۵- نظریه غیر توصیفی بودن صدق

۶- نظریه سمانتیکی صدق

با مبانی مفصلی که در جای دیگر بحث شده است معلوم شد که همه این نظریه ها در طول نظریه مطابقت هستند، لذا اگر اوسعیت نفس الامر از وجود برای ذهن بشر حل شود خواهیم دید که همه این نظریه ها ذیل نظریه مطابقت با نفس الامر قرار می گیرد.

برخی پنداشته اند که نفس الامر گاه به معنای گسترده تری از وجود خارجی و وجود ذهنی به کار می رود و نتیجه گرفته اند که سه ظرف تطابق داریم: 1- وجود خارجی 2- وجود ذهنی 3- نفس الامر (به معنای خاص کلمه) در حالی که برای به سر انجام رسیدن بحث مطابقت نیاز نیست این تفسیر را انجام دهیم و بعدا اسمی برای آن بگذاریم.

نفس الامر معنایش کامل روشن است: نفس ِخود امر، نفس خود آن واقعیت. در گزاره ای مثل « زید ایستاده است » نفس الامرش همین واقعیت وجودی ایستاده بودن زید است. در واقع در نظریه مطابقت ساده ترین و واضح ترین مورد مطابقت با وجود خارجی بوده است. بعد متوجه شده اند که مطابَق برخی از قضایا وجود ذهنی است نه وجود خارجی، سپس توجه شده است که مطابق برخی دیگر از قضایا نه وجود خارجی است و نه وجود ذهنی، یعنی شاید به لحاظ استعمال

کلمه‌ی نفس الامر ابتدا این کلمه در مواردی که وجود خارجی ای ذهنی مطابَق نبوده به کار رفته باشد اما این تقسیم ثلاثی تقسیم علمی نیست، یعنی این گونه نیست که سه حوزه برای مطابق صدق داشته باشیم که یکی وجود خارجی و یکی وجود ذهنی و یکی حوزه‌ی سوم باشد که سومی را مثل نفس الامر بمعنی الاخص ای امثال آن بنامیم. احکام این حوزه‌ی سوم هم لزوما مثل هم نیست. مطابق صدق فقط یک چیز است و آن مطابقت با نفس الامر اما نفس الامر در هر حوزه ای به فراخور خودش است، گاهی موطن وجود خارجی است، گاهی موطن طبایع، گاهی موطن استلزامات و ... .

در منطق می گویند: « هر چیزی یا صحیح است یا غلط » به همین جهت برای فرار از شق ثالث گزاره نماها ارائه شده است. مثلا می گوییم: «الف + ب = 5» آیا صحیح است یا غلط؟ می گویند: گزاره نما است و خودشان را راحت می کنند در حالی که این قضیه نسبت به صدق و کذب مراعی است، یعنی نه صحیح است و نه غلط. اگر محدوده ها را رعایت کنیم، خواهیم دید که آنچه در کلاس بحث می شود منافاتی با فطرت ندارد، فقط با توسعه و اطلاقی که ما داده ایم منافات دارد.

اگر نفس الامر به عنوان مطابَق در منطق صدق، مساوق با وجود مقابلی (وجود مقابل عدم) باشد مواردی یافت می شود که جزء واقعیات هستند ولی موطن صدق آنها دار وجود مقابلی نیست.

برخی از این موارد شمارش می شود و در فصول آتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱-استحاله‌ی اجتماع و ارتفاع نقیضین

۲-امکان ماهوی

۳-نسب و اضافات

۴-معانی حرفیه

۵-حرکت

۶-معقولات ثانیه‌ی فلسفیه

۷-باب اعداد و اثبات ریاضی

۸-قواعد ریاضی و هندسی

۹-استلزامات و ملازمات

۱۰-رابطه‌ی بین دو وجود

۱۱-تعلق امر به طبیعت

۱۲-مساله‌ی وضع و استعمال نسبت به طبیعی لفظ و طبیعی معنا

بازبینی #1
ایجاد شده 20 فوریه 2025 15:42:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 فوریه 2025 15:58:57 توسط ... .